

مطالعه

معارف کبیری

توضیحاتی چند

بمنظور رفع اشتباهات کتب درسی تاریخ درد بیروستانها

جزوه پنجم

لجنة ملی مطالعه و

تحقیق

موسسه ملی مطبوعات امری

۱۳۳۳ بدیع

تألیف کتب برای تدریس در مدارس کشور امر دقیق و مهم و ظریفی است و معمولاً از جهات مختلف تحت نظارت و هدایت اولیای محترم آموزش و پرورش قرار می‌گیرد . شاید بتوان گفت که این مطلب در باره بعضی از دروس بیشتر از بعضی دیگر صادق می‌آید و از جمله این دروس تاریخ است که از بسیاری از جهات اهمیت شایان دارد و حسن تنظیم و تدریس آن در تحکیم حس و وطن پرستی و علاقه به آب و خاک و حفظ وحدت ملی و تقدیس و تکریم مظاهر طیبیت تأثیری بسزا می‌بخشد و تحقق نوایای عالیۀ رهبر کشور را تمهید می‌نماید .

در حال حاضر و بر طبق برنامه متداول مدارس کشور که به تدریج از کلاسهای پائین تر جای خود را به برنامه تازه ای با کتب تازه می‌دهد در کلاسهای ششم ادبی دبیرستانها کتابی برای تدریس تاریخ انتخاب شده است که مؤلفان آن بنا بر آنچه در ابتدای کتاب مذکور است آقایان عباس پرویز و نصرالله فلسفی و مرحوم علی اصغر شمیم بوده اند ولی در واقع این قسمت از

تاریخ ایران را که از ظهور نادرشاه آغاز می‌شود تنهایی از این نویسندگان یعنی مرحوم علی اصغر شمیم نگاشته است و آنچه این مطلب را مسلم می‌دارد مقایسهٔ این کتاب با کتابی است که آن مرحوم سی و سه سال قبل از این یعنی مقارن سال ۱۳۱۶ شمسی در بارهٔ این دوره از تاریخ ایران برای تدریس در دورهٔ ادبی سابق نوشته‌اند. متأسفانه در این کتاب مطالبی برخلاف حقیقت و منافی مصلحت و بدون رعایت دقت و امانت بعنوان فتنهٔ باب از صفحهٔ ۱۴۷ تا صفحهٔ ۱۵۰ وارد شده است چون وقایع تاریخی در موقع تدریس این مطلب مخالف با جریان حقیقی آنها جلوه می‌کند لازم دانست که انظار دانش‌آموزان بهائی و اولیای محترم آنان را به اشتباهات وارده در این کتاب متوجه سازد تا تحقیقت امر بر آنان مشتبه نشود و در صورت اقتضاء و در مقابل سوالاتی که احیاناً از آنان می‌شود با کمال محبت و رأفت و مدارا و مماشاة که سلوک اصلی اهل بهاست و استان خود رانیز بر این اشتباهات واقف سازند و مانع بروز سوء تفاهم و ظهور نفاق و اختلاف در میان خود و هموطنان عزیز خویش در این کشور مقدس

گردند .

۱- می نویسد :

” سید علی محمد به بوشهر آمد و به ریاضت پرداخت و برای تسخیر ارواح مدت چهل روز در آفتاب سوزان به ذکر ادعیه و اوراد اشتغال ورزید ”

اصراری در این باره نداریم که آنجا که نسبت به عقاید بهائیان اهانت می شود و از مقدّسات آنان هتک احترام می گردد به دفاع برخیزیم و علی الخصوص خدای ناگرده ، در جواب خود از رعایت اصول ادب که به حکم کلام حق جل جلاله ” سید اخلاق ” است ” خارج شویم منتهی از ذکر این نکته نمی توانیم غفلت کنیم که نسبتی که داده اند تهمت صرف است و هیچ گونه سندی از تاریخ برای اثبات آن در دست نیست و بعلاوه با معتقدات اهل بهاء که در الواح و آثار مقدسه آنان تسخیر اجنه و احضار ارواح و تحمّل ریاضیات شاقّه ابطال شده است منافات دارد .

۲- می نویسد :

” اندکی بعد به کوفه رفت و چهل روز در مسجد

کوفه معتکف شد و از آنجا سودای ریاست روحانی در مفرز او به جوش آمد و عازم مکه گردید و عاقبت به بوشهر برگشت و در آنجا جمعی از مردم ساده لوح لایبالی را گرد خود جمع کرد....."

در همین یکی دو سطر چندین غلط تاریخی وجود دارد که ارتکاب آنها روشن می‌سازد که مؤلف هرگز مقید به صحت مطالب کتاب خود و مطابقت آنها با واقع امر نبوده است. زیرا که اولاً "حضرت باب از بوشهر به کوفه نرفته و در مسجد آن شهر معتکف نشده است. گویا مؤلف سهواً یا عمداً اعتکاف اهل حسین بشروئی را در مسجد کوفه به حضرت باب نسبت داده است. این اعتکاف به قصد این بود که خدای تعالی او و سایر همکیشانش را به فیض زیارت ولی عصر که بر طبق تعالیم سید کاظم رشتی در انتظار قرب ظهور او بودند نائل فرماید.

ثانیاً - حضرت باب هرگز بعد از مراجعت از مکه در بوشهر اقامت نکرده و در آن شهر به دعوت مردم نیز اخته اند بلکه قیام ایشان به دعوت قبل از سفر حج و بعد از مراجعت از این سفر در شهر شیراز انجام گرفته است.

ثالثاً — کسانی که دعوت او را قبول کرده اند " علی‌الخصوص
 در اوائل امر " از جمله علمای زمان و زهاد عصر خود
 بوده اند و بسیار دور از انصاف است که به صفات
 ساده لوحی متصف شوند و برفرض اینکه ، بنا بمقیده
 مخالفین آن حضرت ، به امر باطلی گرویده باشند آنان
 را لا ابالی نمی‌توان پنداشت زیرا که بنا به شهادت همه
 مورخین اعم از بابی و بهائی و مسلمان و ایرانی و اروپائی
 کمال ثبات و استقامت و شجاعت را برای حفظ معتقدات
 خود نشان داده و در این راه مرگ را به جان خریده اند .
 پس چگونه میتوان گفت که مبالغات نداشته و پای بند چیزی
 نبوده اند ؟ اگر انصاف را از مورخ بازگیریم صلاحیت
 او برای نگارش تاریخ از میان می‌رود . و چرا باید چنین
 باشد ؟

۳ — می‌نویسد که :

" کارگزاران حکومت هند که در پی بهانه‌هایی برای
 برپا کردن آشوب در ایران بودند سید علی محمد باب را
 وسیله تبلیغات خود قرار دادند و از مردم ماجراجو
 و طماع عده ای را بعنوان مرید دور او گرد آوردند ."

برای اینکه حقیقت حال معلوم شود باید از تاریخ نویسان بی غرض و پیرمایه و با انصاف خواستار شد تا به جمیع کتب و رسائل و مقالات مراجعه کنند و حتی در اسناد سیاسی و مدارک دیپلماتی کشور تحقیق دقیق نمایند و کیفیت این تهمت را که به این نهضت دینی روحانی در کتاب مزبور بسته اند مورد تحقیق قرار دهند تا معلوم شود که چگونه حقائق تاریخی را بعضی از اشخاص به صرف ادعا در معرض تحریف نهاده و آشکارا سوء نیت به کار برده اند . گوئی مطمئن بوده اند که همین قدر که پای مخالفت با این دیانت در میان باشد کسی را یا رای آن نخواهند بود که از مؤلف کتاب مدرکی برای اثبات ادعای خود طالب کند . خدا را سپاس باید گفت که اقوال و اعمال بهائیان در عرض یک صد و سی سال که از ظهور دیانت آنان می گذرد همواره اثبات کرده است که با هیچ گونه سیاسی ارتباط نداشته اند و مخالفان این دیانت کوچکترین مدرکی برای ارائه ارتباط آنان با دول خارجی و اغراض سیاسی این دول در کشور مقدس ایران به دست نیاورده اند .

۴- می نویسد که :

"باب هم بعضی از میدان چرب زبان خود را به شیراز فرستاد و شروع به تبلیغات دینی کرد و در آن شهر نیز بکمک عمال انگلیسی هوا دارانی فراهم نمود...."

اولاً - همان طور که ذکر شد دعوت حضرت باب در خود شهر شیراز اعلان شده است نه اینکه از بندر مبلغانی برای اعلان دعوت ایشان به شیراز فرستاده شود؛ ولی مؤلف مرحوم چون اساساً پای بند مطابقت کتاب خود با حقائق تاریخی و صحت اظهار نظر در باره زمان و مکان وقایع نبوده اند بندر بوشهر را که چند سالی محل اقامت حضرت باب قبل از قیام به دعوت بوده است به جای شیراز گرفته و باکی از این تحریف نداشته اند.

ثانیاً - «کمک عمال انگلیسی» از قبیل همان تهمت سیاسی است که قبلاً اظهار فرموده اند و اینک تکرار نموده اند. چندین سال پیش از این مخالفان دیانت بهائی یادداشت‌هایی از قول کینیاژد الکورکی جمل کرده و ظهور این دیانت را به اقتضای سیاست دولت

روسیه تزاری دانستند و اینک مؤلف این کتاب ظهور همین
 دیانت را به سیاست انگلیس منسوب می‌دارد و معلوم
 نیست که امر واحدی چگونه میتواند ناشی از دو سیاست
 مخالف و معارض در آن زمان باشد . آیا خود این تناقض
 در اقوال دلیل بطلان همه این دعاوی نیست ؟ — البته
 مقصود از این اصرار سعی در تبرئه بهائیان از مناسبات
 سیاسی با دول خارجی نیست زیرا این امر به شهادت
 تاریخ و سیرت و سنت آنان در طی دوره ای بیش از یک
 قرن در ایران و در همه کشورهای جهان اثبات شده
 است و امروز هر دولت ایران و اولیای محترم امور در این
 اقلیم کریم که قبله آمال بهائیان در سراسر جهان است
 آشکار است که امر بهائی همیشه از سیاست برکنار بوده
 و هرگز دامن خود را به دسائس سیاسی نیالوده و همیشه
 به صورت نهضت روحانی و اخلاقی و وجدانی محفوظ
 مانده است . بلکه منظور این است که تحریف حقایق
 از طرف مؤلف این کتاب برداشش آموزان بهائی روشن
 گردد و از همان کسانی که بر اثر تعلیم این مطالب در
 کلاس درس نسبت به این امر بدیع بدگمان می‌شوند
 با توضیح دوستانه آنان صفای خود را باز یابد و سوء تاثیر

در قلوب فرزندان این آب و خاک که همگی همواره باید
 در راه خدمت به این آب و خاک همدل و همراز و همدست
 و همداستان باشند از میان برود .
 ه - می نویسد که :

”.... فقها و روحانیان شیراز باب را مورد تمسخر
 قرار دادند و عقاید او را که معجونی از احادیث
 مست و ضعیف و روایات و امثال تاریخی و قصص و
 افسانه های عامیانه بوده با ادله فقهی و براساس عقلمندی
 رد کردند و برخی از فقها گفته های او را به خبط
 دماغ”

البته اگر مؤلف بخوم کتابی در رد نهضت بابیه و انتقاد
 عقائد بابیان و بهائیان می نوشتند شاید خوانندگان
 کتاب می توانستند ایشان را در ایران چنین اهانتی
 معذور بدانند و اگرچه در آن مقام نیز از ایشان توقع
 داشتند که در اثبات ادعای خود اقامه دلائل نمایند
 و مثلاً ضعف احادیث منقوله در آثار حضرت باب را بسط
 استشهاد به کتب معتبر احادیث نشان دهند یا لا اقل
 بفرمایند که چرا نقل امثال تاریخی و قصص و افسانه های

عامیانه را که قرآن کریم مشحون بدانهاست و برای تنبه^{بها} و توجه و تذکر عامه^و مردم ضرورت دارد و جزء تدابیر شایسته^ه در فن^{بها} تعلیم و تربیت است تخلیئه می کنند . اما در کتاب درسی تاریخ چه جای آن است که به ذکر چنین مطالبی پردازند . البته قلوب دانش آموزان بهائی هرگز با مطالعه^ه این مطالب قرین ملالت و گدورت نمی شود و بدبینی و بدخواهی^{هی} و بداندیشی که بر اثر تعلیمات قلم اعلی از دل های آنان رخت بر بسته است باالقاء این مطالب خنده آور باز نمی گردد . ولیکن ممکن است از همان کسانی که با حقائق امور از طریق مآخذ معتبر آشنائی ندارند آشفته شود و تصویری که از وقایع تاریخی دارند از صورت صحیح خود انحراف جوید .

۶- می نویسند که :

” هوا داران باب با صرف پولهای گزاف^{که} عمال حکومت هند در اختیارشان گذاشته بر^{ند} فرمانروای اصفهان را به استخلاص باب واداشتند ” .

اگر امکان این امر وجود می داشت که شخصی از مؤلف کتاب می خواست تا بفرمایند که این پولهای گزاف چگونه از طرف عمال حکومت هند به طرفداران باب می رسیده و کد^ا

سند تاریخی و سیاسی از چنین امری حکایت کرده و مآخذ ایشان در تألیف این کتاب درسی قرار گرفته است معلوم نیست چه پاسخی در برابر این پرسش می‌آوردند و چگونه زمه خود را از نگارش مطلبی که بطلان آن مسلم است تبرئه می‌کردند. معمولاً در کتب درسی مدازس متوسطه باید از ذکر مطالبی که مورد اختلاف باشد احتراز جست تا از همان دانش‌آموزان فقط با مطالبی آشنا شود که در صحت آنها شکی نیست و جزو امور قطعی به شمار می‌رود تا چه رسد به اینکه مؤلفی مطالبی را بیاورد که کذب محض است و مستند به هیچ گونه مدرکی نیست و تنها به قصد تخدیش از همان و افکار جوانان جعل کرده اند.

۷- مطلب را به طور ناقص ترک نموده و به شهادت حضرت باب و وقایع مهمه^{۱۳} ایکه در دوره ناصرالدینشاه به وقوع پیوست و قتل عام پیروان این آئین در این دوره و ادامه دعوت آن حضرت به صورت دیانت بهائی و کیفیت انتشار این دیانت در خارج ایران که مقدمات آن را بر حسب ظاهر اولیای دولت قاجاریه با تبعید حضرت

اند

بهاء الله از ایران فراهم آوردند هیچگونه اشاره ای نفرموده
البته این نقص را در قبایل اغلاط فاحشه و اغراض واضحه
مؤلف که قبلاً به آنها اشاره شد می توان نادیده گرفت .
البته دوستان عزیز بهائی می کوشند تا جوانان خود
را به این نکته دقیق متوجه سازند که هرگز نباید تحت
تأثیر این تعلیمات که در کلاسهای درس القا می شود
تألم و تکدر یابند و در برابر استهزاء و طعن و لعن
مدرسان خود در حین استماع این درس از طریق صبر
و حوصله و متانت خارج شوند زیرا که این جوانان پاکدل
نیکخو جز اینکه از هانشان با مطالب خلاف واقع مشوب
شده است تقصیری ندارند و بنابراین وظایف روحانی
دوستان بهائی آنان ایجاب می کند که با خوشروئی
و خوش بینی و خوش رفتاری حقایق وقایع تاریخی را برای
آنان در خارج از کلاس درس تشریح نمایند و رفع سوء تفاهات
فرمایند و علی الخصوص توجه کنند که این اشتباه و انحراف
سالها پیش از این از طرف مؤلف مخصوص که کتاب او
علی العجالة جزو کتب درسی بر طبق برنامه جاریه است
ارتکاب شده است و این برنامه بطور کلی در شرف تفسیر یافتن

و اصلاح شدن است و امید می رود که نقص کتاب تاریخ
سال ششم ادبی نیز مانند سایر نقائص کتب سابقه^۲
درسی مرتفع شود . البته منظور این نیست که مطلب
مربوط به ظهور دیانت بهائی در ایران را از آثار اهل
بهاء اخذ نمایند و ذکر وقایع را با تمجید و تکریم
و تجلیل همراه سازند بلکه امید بهائیان ایران این
است که آنچه قدر مسلم و مورد اتفاق مورخین و مستند
به دلائل تاریخی است و موافق و مخالف هر دو آن را قبول
دارند مذکور شود و از ذکر مطالب مورد اختلاف در بین
بهائیان و دیگران احتراز گردد تا هیچکس نتواند
بر آن انگشت گذارد و یا درج آن را حمل بر اعمال
غرض نماید . تا چنین منظوری حاصل نشده است
می توان دوستان غیر بهائی خود را به منابعی مثل
دائرة المعارف بریتانیکا و لا روس بزرگ فرانسه و لا روس
قرن بیستم و فرهنگ اصطلاحات ادیان و امثال این
کتب که نویسندگان آنها از دانشمندان محقق اروپائی
بوده و مطالب را فقط از لحاظ وقوع تاریخی آنها منظور
داشته اند ارجاع کرد و در بین کتب فارسی بعنوان

مثال می توان فقراتی را که در لفت نامه مرحوم علی اکبر
 ره خدا و دایرة المعارف فارسی تدوین آقای دکتر
 غلامحسین مصاحب و کتاب جامع ادیان تألیف جناب
 علی اصغر حکمت در مورد بابیه و بهائیه آمده است
 در اختیار آنان قرار داده تا اندک اندک برای مطالعه
 کتب تاریخی بهائی و آشنائی با جریان عظیم و جلیل این
 امر بدیع در مجرای زمان آماده شوند .

